

در این شماره میخوانیم

- * متن حکم تفیذی امام به ریاست جمهوری صفحه ۲
- * امریکا و حضور نظامی گسترده در خلیج فارس..... صفحه ۶
- * گزارشی از سمینار شوراهای اسلامی روستاهای سراسر کشور..... صفحه ۱۰
- * رویدادهای ایران و جهان صفحه ۱۲
- * چهار سال از شهادت مصطفی خمینی در تبعیدگاه بیگذرد..... صفحه ۱۴
- * وقتی که خون ننهد..... صفحه ۱۵
- * کلام جدید مطلب منتشر شده از استاد شهید مطهری قسمت سوم..... صفحه ۱۶
- * اظهارات تکان دهنده یک اسیر ایرانی در اردوگاههای عراق..... صفحه ۱۸
- * روابط اجتماعی در قرآن قسمت سوم..... صفحه ۲۰
- * روزی که غدیر بوسعت دریا شد..... صفحه ۲۲
- * امام هادی، رهبر تشکیلات علوی..... صفحه ۲۳
- * دروهای شعر و شاعری..... صفحه ۲۴
- * عملکرد واحدهای دفتر کل مناطق جنگی در امور جنگزدگان..... صفحه ۲۶
- * خاطرات یک جهادگر در زندان دمکرات قسمت چهاردهم..... صفحه ۲۹
- * عهدنامه مانک اشتر..... صفحه ۳۰
- * اخبار جهاد سازندگی در سراسر کشور..... صفحه ۳۲
- * گزارش سمینار مراکز خدمات روستایی و عشایری..... صفحه ۳۳
- * مرثیه ای در سوگ شهدای هویزه از شهید مهدی رجب بیگی..... صفحه ۳۶
- * در تری مردی از قبیله نور..... صفحه ۳۸
- * در سوگ شهیدمان مهدی..... صفحه ۴۲
- * اخبار گوناگون جهادگران از سراسر کشور..... صفحه ۴۷

جهاد: ارگان جهاد سازندگی
سال اول شماره ۱۹ نیمه دوم مهرماه ۱۳۶۰
زیر نظر هیات تحریریه
تک شماره ۳۵ ریال

آدرس: تقاطع خیابان انقلاب دانشگاه، نیش
خیابان دانشگاه ساختمان جهاد سازندگی قدس
طبقه سوم، دفتر مجله

مکاتبات: میدان انقلاب... دفتر مرکزی جهاد
سازندگی، صندوق پستی ۱۳/۳۳۱
تلفن ۶۴۹۰۰۵ (۲۳۹ داخلی) ۶۴۸۷۲۵ (مستقیم)
جهاد فرپانزد روز یکبار منتشر میشود.
عکس پشت جلد از عکاس کیهان
چاپ: از ایران چاپ

ضرورت تعمیق وحدت نیروه های خط امام

بسم الله الرحمن الرحيم
«شما باید کوشش کنید با گروههای دیگری که مسلمان هستند و استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی را می خواهند تفاهم داشته باشید.» امام خمینی

نامطلوب آن را بر شمرديم. و در رابطه با بند ۲ نیز باید بگویم که اگر نیروهای اسلامی مابه تبیین دقیق و درستی از این مسئله نرسند آن نیز به نوبه خود اثرات سوء و مخربی بر جای خواهد گذاشت.

انقلاب اسلامی برای حفظ و گسترش خود به نیروهای کارآمد و تشکیلاتی نیازمند است و هم از یکسو ب لحاظ پیچیدگی شرایط خاص تاریخی و اجتماعی نیروهای اسلامی و نیز با توجه به واقعیتهای اجتماعی این تشکیلات لامحاله نمیتواند در قالب یک حزب، گروه یا سازمان خاصی باشد.

وقتی که روحیه ضد تشکیلاتی وجود داشت با تشکیلات بمعنای ایجاد تفرق و جدائی در بین نیروهای مسلمان فرض شد تا گریز در یک برخورد ساده بالقصیه به دو گونه میتوان سخن گفت: که یا بطور کلی تشکیلات را نفی کنیم و یا اینکه تنها وجود یک گروه واحداً در جامعه بپذیریم. و از وجود تشکیلاتی گوناگون بگران و ناراحت باشیم.

چنین برخوردی با مسئله ناشی از ضعف یا عدم تسلط و بنامیزم حرکت جامعه از یکسو و برداشت غلط از تشکیلات از سوی دیگر است. اما فرجه که باید مسئله ای است که با گوناگون بودن یک واقعیت عریض اجتماعی بان

حراجم و تا گریز بان برخورد داشته باشیم. سالهای سیال وجود رژیم اختیاری و سرکوب به مایلین فرصت را نداده بود تا فرگسره ای وسیع با هم آشنا شویم و یکدیگر را بشناسیم و از این رو سابق اگر گروه و تشکیلاتی هم وجود داشته است در محدوده ای کوچک و... قرار داشته است پیداست که این گروهها بعد از انقلاب نمیتوانسته اند سرعت با یکدیگر ایفام شده و گروه واقعی را تشکیل دهند، و اینک بعد از انقلاب، نیازمندیهای انقلاب وجود نهادها و ارگانهای مختلفی را ایجاب می نموده است.

این ارگانها نیز متشکل از افرادی است که هر کدام بنوبه خود از آراء و عقایدی اگرچه در اصول و زیر بنامشترک ولی در مسائل جزئی و فرعی متفاوت برخوردار بوده اند. ضرورت کار ایجاب می کند که این نهادها برای حفظ کارائی خود به سازماندهی و تشکیلات پردازند

اینها همه ما را تا گریز از پذیرش و قبول این بقیه در صفحه ۲

مستله وحدت و تفاهم نیروهای مسلمان یکی از مسائل بسیار مهمی است که هر مقدار پیرامون آن صحبت شود باز هم کم است. و جادارد تا نیروهای اسلامی بطوری جدی به آن بپردازند. ما پیش از این در رابطه با وحدت نیروهای اسلامی و ضرورت ایجاد شورائی متشکل از نمایندگان این نیروها جهت پاسنداری از دستاوردهای انقلاب و تداوم و گسترش انقلاب اسلامی سخن گفته ایم.

امادیدار اخیر مجاهدین انقلاب اسلامی با امام خمینی و سخنان راهگشای امام در رابطه با مسئله تفاهم گروههای اسلامی بهانه ای نیست داد تا یکبار دیگر اگر چه به اجبار به این امر بپردازیم اما قبل از طرح این مسئله بوسیله وجود گروههای مختلف باید تکلیف و بررسی گردد و معلوم شود که اصولاً با وجود گروههای متفاوت اسلامی پذیرفتنی است یا اینکه این مسئله از نظرگاه اسلامی نمیتواند مورد قبول واقع شود. بعد از این مسئله است که میتوان به مسئله ضرورت وحدت، مرزهای وحدت و اصولی را که گروهها باید بر اساس آن با یکدیگر تفاهم کنند پرداخت.

بطور کلی در میان نیروهای اسلامی اکنون ما با دو مشکل اصلی مواجهیم. اول روحیه ضد تشکیلاتی بسیاری از نیروهای مسلمان که با زتاب عملکردهای غیر اسلامی احزاب و گروههای مختلف اسلامی و غیر اسلامی و خصوصاً با زتاب انحراف مجاهدین خلق از اهداف اولیه سازمان میباشد.

۲. عدم وجود یک تبیین صحیح و درست از مسئله تحزب و تشکیلات که منجر به ترس از ایجاد تشکل اسلامی میگردد بدین معنا گروههای مختلف با تفرقه و شکاف در صفوف مسلمین یکی انگاشته شده و بنابراین بان مخالفت می شود.

مادر چندین شماره قبل در مقاله ای تحت عنوان «حزب الله باید تشکیلاتی شونده اثرات سوء ناشی از روحیه ضد تشکیلاتی و پیامدهای

ضرورت



اسلامی تفاهم داشته باشند آسیب نمی بینند» امام می افزایند «شما باید کوشش کنید با گروه‌های دیگری که مسلمان هستند و استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی را میخواهند تفاهم داشته باشید» و ادامه میدهند: مهم اینست که مقصد مقصد واحد باشد، هر چند از راه‌های مختلف به آن مقصد برسیم و این از اساس امور است و اگر اینطور نشود متوجه درگیری میشوید».

از آنچه که امام فرمودند اولاً این نتیجه حاصل میشود که وجود گروه‌های مختلف طبیعی است و نمیتواند نگران کننده باشد؛ ثانیاً اشکال اساسی که به درگیری و اختلاف و..... منجر میشود نه در نفس تعدد گروه بلکه در آراء و عقاید و اصول غیرمشترک و غیر است بقول شهید مظلوم دکتر بهشتی جامعه اسلامی امت واحده هست اما جامعه تک حزبی نیست.

حال که بی اشکال بودن و حتی طبیعی بودن وجود گروه‌های مختلف در جامعه آشکار شد میتوان از ضرورت وحدت و تفاهم این نیروها سخن گفت و اصولی را که لازمه این وحدت و تفاهم است برشمرد. اما قبل از آن باید منظور خودمان را از گروه‌هایی که میخواهیم در رابطه با وحدتشان سخن بگوئیم روشن کنیم.

روشنترین مشخصه‌ای را که امام پس از مسئله اسلامیت برای گروهها فرمودند مسئله اعتقاد به استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود. و نیز از محتوای کلام امام پیداست که قبل از اینکه نظرشان به گروه‌های سیاسی باشد. گروه‌های مردمی و جوشیده از متن انقلاب نظیر جهاد و سپاه و بسیج و.... را مدنظر داشتند، یا عبارت روشن تر امام آندسته از گروه‌ها را مخاطب قرار دادند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکسره و بطور عملی بخدمتگزاری به جمهوری اسلامی اشتغال داشته و انقلاب را در تمام مخاطرات یاری کرده‌اند. بفرض که فلان گروه سیاسی هم که در تمام دوسال و نیم بعد از انقلاب تنها به کار تحلیل و تفسیر مشغول بود در دایره حرف‌های امام بگنجد اما وحدت کردن یا وحدت نکردن با آن چه سود؟

وحدت و تفاهم در میان نیروهای معنی میدهد که در تمام مراحل انقلاب عملاً بیاری و دفاع از انقلاب ایستاده‌اند و هیچ کجا در دفاع

امام خمینی به کرات و دفعات مختلف فرموده‌اند که اگر هدف خدا و اسلام باشد وجود گروه‌های متفاوت در جامعه بلا اشکال و بلکه طبیعی است و این امر را دردیدار اخیرشان نامجاهدین انقلاب اسلامی یکباردیگر مورد تأکید قرار دادند و فرمودند «اگر گروه‌ها مختلف باشند ولی در امور عقیدتی و در اصول عقاید

واقعیت اجتماعی می باشد که در جامعه حاکم گروه‌های مختلف و متضاد وجود داشته باشد و این گروه‌ها که هر یک با هدف و انگیزه‌های خود اینگونه هم نشود در امور سیاسی و اجتماعی نمیتواند باشد و اگر هر یک کلاً اشکالاتش را می بسیم ریشه آن در حلقه دیگری است که باید بامسئله بالا حفظ می‌گردد شود»

تعمیق وحدت نیروهای خط امام

از استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی بخود تردید راه نداده اند.

چه آرزمان که انقلاب اسیر چنگالهای خونچکان مزدوران بیگانه در کردستان و ترکمن صحرا و بلوچستان قرار داشت و چه اکنون که نفاق داخلی به جنگ و خونریزی علیه آن برخاسته است.

و خصوصاً در این رهگذر مشارکت عملی و نه فقط در حرفها و شعارها و بیانیه ها و اعلامیه مدنظر است.

باین توضیح بطور اجمال به ضرورت وحدت نیروهای مسلمان پیرو خط امام میپردازیم:

۱- وحدت نیروهای اسلامی از نقطه نظر ایدئولوژیک

و بهر حال وقتی آرمان و هدف گروهی مشترک بود منطقی نیست که با هم اختلاف و دودنیت داشته باشند و اصولاً در یک کلام پرسیدنی است اگر هدف در نهایت ایجاد «امت واحد» است چگونه میتوان در تفرق و اختلاف به ایجاد آن همت گماشت؟

در اینجا باید توجه داشت که وقتی ما از هدف و آرمان مشترک سخن میگوئیم، آن را در میان مسلمین مطرح میدانیم و برای آن زیربنای ایدئولوژیک قائلیم والا ممکن است معتقدان به دوایدئولوژی متضاد در مرحله ای ظاهراً تشابه هدف پیدا کنند. بدیهی است که از دیدگاه ما هدف واحد باید از مضمون و محتوای واحد نیز برخوردار باشد. تنها در چنین صورتی است که

یکدیگر گردد ولی در نهایت این دوبرروی یک قله یکدیگر را ملاقات خواهند کرد.

از دیدگاه دوم وضعیت، شبیه ساحلی است که در میان جنگلی پرهول و خطر از همه سو مورد هجوم جانوران وحشی و درنده قرار گرفته اند و کوچکترین غفلت و عدم همکاری با یکدیگر به مرگ همگی منجر خواهد شد. در چنین شرائطی بحث از اختلافات را بسیار کشیدن و بجای هم افتادن نه تنها خیانت به آن جمع و حرکت است بلکه خود فرد نیز از اولی کسانی است که طعمه گرگان و کفتسارهای خونخوار و درنده قرار میگیرد.

امروز شرائط خاص انقلاب اسلامی بگونه ای است که امریالین و جنایتکار امریکا از یک سو و منافقین کوردها داخلی از سوی دیگر بر آن جنگ و دندان میکشند و تمام نیروهای باطل بر آن یورش میبرند. و در این راه جزیی و مجاهد انقلاب اسلامی و جهادی بسیجی و پاسداری وارثی و بقال و قصاص و کارگر و کشاورز نمیشناسند. بلکه در جهت رسیدن به مناصد آزمندانه و پلید خویشی کمر به قتل همه نیروهای وفادار به امام و اسلام و انقلاب بسته اند. حال اگر در چنین وضعیتی کسی بخواهد اختلافات جزئی و فرعی را که طبیعی هم هست باب کند نه تنها به آرمان شهیدان و مستضعفان خیانت کرده بلکه در وهله اول علیه خویش نیز شمشیر خیانت کشیده است.

بدیهی است که وقتی از وحدت و تفاهم سخن گفته میشود باید سرزهای آن نیز مشخص گردد. از اینرو مشخص کردن اصولی که نیروهای مسلمان بر مبنای آن میتوانند با یکدیگر تفاهم کنند ضروری است. اولاً ذکر این توضیح واضح ضروری است که بهمان اندازه که تعدد گروههای مختلف در ماسه طبیعی است وجود اختلاف نظر و اختلاف آراء نیز طبیعی است.

این اختلافات اگر در اصول باشد بالطبع منجر به درگیریها و اختلافاتی میشود که اجتناب ناپذیر است اما اگر اختلافات در اصول نباشد نه تنها نباید منجر به درگیری شود بلکه خود میتواند در مسیر رشد و ارتقاء فکر جامعه از راه برخورد

بفیه در صفحه ۴۵

*** امام خمینی به کرات و دفعات مختلف فرموده اند که اگر هدف خدا و اسلام باشد وجود گروههای متفاوت در جامعه بلا اشکال و بلکه طبیعی است و این امر را در دیدار اخیرشان با مجاهدین انقلاب اسلامی یکبار دیگر مورد تاکید قرار دادند.**

۲- وحدت نیروهای اسلامی از نقطه نظر شرائط خاصی که اکنون بر انقلاب اسلامی میگذرد.

در حقیقت از یک دیدگاه کلی و از نقطه نظر آرمانهایی که مسلمین تعقیب میکنند. بدیهی و منطقی است که برای تحقق بخشیدن به حاکمیت الله در جامعه و بر وجود آوردن امت واحد و بر روی زمین باید با یکدیگر شریک مساعی داشته و همدیگر را یاری نمایند. چرا که تماماً در جستجوی آرمانها و ابد الهانی یکسان و مشترک عمل میکنند. قرآن مجید و احادیث و روایات بیشمار اسلامی مسلمین را به وحدت خوانده و آنها را به دوری از تفرق و جدائی ترغیب میکنند. قرآن مجید از مسلمین میخواهد که تماماً به ریسمان الهی چنگ آویز شده و متفرق نشوند: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» و یا میفرماید خداوند کسانی را که در راه او در صفهایی بهم فشرده و محکم (همچون سرب) پیکار میکنند دوست دارد «ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مخصوص»...

ضرورت تعمیق وحدت

بقیه از صفحه ۳

سالم اندیشه ها و عقاید کارساز و مؤثر افتد. بطور مثال وجود اختلاف نظر بین سلمان و ابوفر که هر دو از یاران صمیمی و وفادار پیغمبر اسلام (ص) بودند و پیامبر گرامی اسلام نیز هر دو را بسختی دوست میداشت. هرگز هیچ مشکل و مسئله‌ای را ایجاد نمود و این در حالی بود که پیامبر می فرمود اگر ابوفر می دانست که در سینه سلمان چه می گذرد هر اینه او را می کشت یا (تکفیر می کرد) در حالیکه می بینیم هر دو پاپای هم و در کنار پیامبر سالها در راه اسلام تلاش و پیکار می کنند.

این مسئله بصراحت نشان میدهد که وقتی در اصول عقاید اسلامی بحثی وجود نداشت، وقتی در مسئله رهبری سختی نبود و وقتی در دفاع از اسلام و مسلمین و گسترش اسلام در جوامع دیگر هیچ تردیدی وجود نداشت در انصورت اختلاف برداشتها در امور جزئی و فرعی نمیتواند نگرانی‌ئی برای جامعه اسلامی ایجاد نماید. با این توجه و دقت در سخنان امام که فرمودند «تسا باید کوشش کنید با گروههای دیگری که مسلمان هستند و استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی را می خواهند تقاضا داشته باشید»

میتوان اصولی را که براساس آن میتوان دست به وحدت و تفاهم زد برشمرد: اسلامیت، اعتقاد به آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی که باید اعتقاد به رهبری امام خمینی را بعنوان جزء لاینفک این وحدت اضافه نمود. شرح بیشتر این مسئله و تشکیل شورائی برای تحقق این وحدت را در مقاله «حزب الله باید تشکیلاتی شود» آورده‌ایم که خواننده میتواند به انجا مراجعه کند.

تنها مسئله‌ای که میتواند از زمینه های ایجاد وحدت جلوگیری کند و یا انرا مشکل نماید یکی مسئله گروه گرایی و دیگری خود مطلق بینی است بدین معنا که ممکن است در یک گروه رفته رفته نقش تشکیلات عمده و اصل شود و در ذهن اعضا جایگاه خدائی پیدا کند. و در واقع وسیله به هدف تبدیل گردد در چنان صورتی است که همین عامل میتواند از وحدت گروهها جلوگیری نماید.

اگر چنین شود هیچ گروهی نمیتواند گروههای خارج از خود را تنها به این دلیل که خارج از تشکیلات او هستند تحمل کند از اینرو شروع به برخورد و تخاصم می نماید. و اینکار را تا انجا ادامه میدهد که دیگران در برابر او

تمکین کرده، سبطه اش را بپذیرند و چون چنین امری محتمل نمی نماید و گروههای دیگر به اسانی حاضر به تمکین نمیشوند. برخوردها بیشتر و بیشتر شده و به تفرقه اجتماعی منجر می شود. در حالیکه اگر هدف خدا باشد. و گروه وسیله‌ای جهت نیل به اهداف الهی بشمار آید. در ان صورت میتوان به اسانی وجود گروههای دیگری را که انها نیز صادقانه در جهت حاکمیت الله عمل می کنند تحمل نمود و همگام با انها به روند رشد و تحول جامعه شتاب بیشتری داد.

مسئله دیگری که گفتیم میتواند از وحدت نیروها جلوگیری کند، مطلق کردن اندیشه خود در تمام زمینه هاست. و اگر چنین رویه‌ای از جانب گروهی در پیش گرفته شود هرگز نمیتواند با گروه یا گروههای دیگر وحدت کند. بعبارت دیگر گروه با مطلق کردن اندیشه خود راه را برای میدان دادن به گروههای دیگر می بندد و تلقی اش از وحدت به این صورت خواهد بود که گروههای دیگر اندیشه مرا بپذیرند و به عبارتی در گروه من ادغام تشکیلاتی شوند!

در حالیکه همانطور که گفته شد، وجود یکسری اختلافات در جزئیات و فرعیات طبیعی است و حل آنها در وحدت دراز مدت یک گروه، در نشستهای زیاد و برخورد متقابل اندیشه ها و بحث های متوالی امکانپذیر است. و در اوائل کار حتما باید با سعه صدر با دیگران برخورد کرد. نسل امروز ما تجربه تلخ گروه گرایی و مطلق کردن اندیشه را در سازمان مجاهدین سراغ دارد و شاهد است که چگونه بخاطر این بیماری مزمن سازمانی در دام اندیشه های التقاطی و منحرف افتاده و در جریان رشد خود ۱۸۰ درجه از ارمانهای اولیه خود فاصله میگیرد و در نهایت در دامن امپریالیسم امریکا قرار می گیرد و همگام و همراه با ان علیه مردم خود و مذهب خود توطئه می کند و سلاحی را که روزی به امید دفاع از خلق جمع اوری کرده بود امروز بر علیه خلق بکار می گیرد.

در این رابطه امام همواره به عدم گروه گرایی هشدار و توجه داده‌اند. به کرات فرموده‌اند که اگر انبیاء و اولیاء خدا همگی با هم بودند، هرگز اختلاف نمیکردند و و.....

امام همواره ریشه اختلافاتی را که به درگیری و برخورد منجر می شود و باعث میگردد عدای نتوانند دوستانه و برادرانه گردهم نشینند در نفس سرکش انسانی و وسوسه های شیطانی بیان نموده‌اند. و گروه گرایی و خود مطلق بینی

یکی از نمونه های بارز تجلیات شیطانی است. خواهران و برادران مسلمان و پیرو امام در دنیائی قرار گرفته‌ایم که تمام نیروهای اهریمن علیه ما لشکر کشیده‌اند. شب پرستان با تمام قوا بر علیه ما صف اراتی کرده‌اند دنیای کفر به وحشت افتاده و با تمام نیروی خود می کوشد به هرگونه که شده انقلاب ما را از سر راه خویش بردارد ما میخواهیم به سرزمین نور برویم، ما میخواهیم براریکی غلبه کنیم، میخواهیم غل و زنجیر سالیان سال را از پای بشریت مظلوم برداریم میخواهیم به دوران جور و ظلم پایان بدسیم، میخواهیم پرتو نوحه را بر قلوب تمام مردم جهان بیندازیم، میخواهیم امتی واحد و نمونه بسازیم... در این راه جز لطف خدا، رهبری امام و وحدت امتسان هیچ سلاحی نداریم. تا بحال نیز تمام توطئه ها را با همین سلاح ها در هم شکسته‌ایم.

از این بعد عم اگر میخواهیم به ارمان مشترکمان برسیم، اگر میخواهیم پیروز بشویم و به سرزمین نور، به سرزمین خدا برسیم جاره‌ای نداریم که با انکال بخدا و با پیروی از امام متحدانه در جهت استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی تلاش کنیم. در این راه باید انگیزه ها را کاملا خدائی کنیم، هیچ چیز مشکل نیست! تنها لازم است که بخدا بیندیشیم، از خود و گروه خود بدرشویم، منیت ها را به کناری بگذاریم و سیکال غرق در دریای بیکران انسانها بسوی ساحل قلاخ و رستگاری شنا کنیم. اگر چنین شود هیچ چیز نمیتواند جلو ما را سد کند و یک لحظه ما را از رفتن باز دارد، ببینید که امام چگونه همه مشکلات را در می خوردند و همواره از موضعی بالا و تهاجسی دشمن را به انفعال و عقب نشینی می کشاندند. ببینید که چگونه توطئه ها و جنایات و تهدیدهای دشمن کوچکترین انبوهی را در چهره این ابرمرد نمی نشاند و ببینید... و اینها قبل از هر چیز بخاطر اینست که امام، انسانی بنام معنا «عبدالله» است. او یکسره از خویش دست شسته و خدائی شده و چنین است که همواره بی بیم و هراس گام برمیدارد.

او از مرز منیت ها و خود خواهیها و گروه گرانیها و.... گذشته است. و اگر ما میخواهیم پیروان، مریدان و تقلیدین صدیقی برای ایشان باشیم باید که چنین کنیم

والسلام